

حَبْلُ الْمَتِينِ (2): تحلیل اوضاع جاری افغانستان در آئینه‌ی قرآن



افغانستان در روزهای اخیر شاهد چندین رویداد خونین و مرگباری بود که در آن دست کم 500 تن کشته و هزاران تن دیگر زخمی شدند. هفته‌ی خونینی که با حملات پیچیده و مرموز سایه‌ی وحشت‌اش را بر همه جا گستراند و مساجد و پایگاه‌ها مورد آماج قرار گرفتند. در ضمن، وضعیت شکننده‌ی سیاسی و بی‌اعتمادی عمیق میان رهبران و مردم، بحران اقتصادی و اجتماعی کارد را به استخوان مردم رسانده است.

در مورد دلایل و انگیزه‌های افزایش خشونت‌ها و شکنندگی وضعیت سیاسی افغانستان و در کُل منطقه، سخن‌های زیادی گفته شده که هر کدام آن‌ها در جا و مکانش قابل غور است. اما در این مبحث تلاش بر این است تا اوضاع شکننده‌ی جاری را در پرتوی آیات قرآن مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. راستی دیدگاه قرآن در مورد وضعیت جاری ما چه است و چه تحلیلی برای ما ارایه می‌دارد؟

الله سبحانه و تعالی در سوره عنکبوت می‌فرماید:

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا ۖ وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ ۖ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ [عنکبوت: 41]

داستان کسانی که به جای خدا سرپرستانی گرفته اند، مانند داستان عنکبوت است که خانه‌ای [بی‌دیوار، بی‌سقف و بی‌حفاظ] برای خود بنا کرده باشد، و بی‌تردید سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، اگر [به این واقعیت] معرفت و شناخت داشتند [بت‌ها و قدرت‌های غیر از خدا را سرپرستان خود نمی‌گرفتند].

البته واژه «اولیاء» که در این آیت بحث شده، جمع «ولی» بوده و «ولی» در عربی قدیم در کنار سایر معانی که دارد بیشتر به معنای «سرور، سرپرست، راهنما، صاحب اختیار و صاحب امور» مورد استفاده قرار گرفته است.

حال با توجه به معنای واژه «ولی» باید گفت که الله سبحانه و تعالی در این آیت کسانی را که به جای الله خالق زمین و آسمان، غیر الله (غرب، امریکا و ناتو) را سرپرست و صاحب امور سیاسی - اجتماعی خویش بر می‌گزینند، آنان را به عنکبوتی تشبیه نموده که برایش خانه‌ی درست

کرده است. اما در این مسأله چه سرّی نهفته که قرآن این افراد را به خانه عنکبوت تشبیه کرده؟ چه ارتباط و پیوندی میان این دو وجود دارد؟

بدون شک، قرآن هر مثالی را که بیان می‌دارد پر از حکمت و اندرزهای مهمی است. برای دانستن گوشه‌ی از حکمت نهفته در این آیت سراغ تحقیقاتی می‌رویم که طرز زندگی و خانه‌ی عنکبوت را مورد مطالعه قرار داده که ذیلاً به تعدادی از این ویژگی‌ها اشاره صورت گرفته و ارتباط آن را با اوضاع شکننده جاری تأمین می‌نماییم:

یکم: بارزترین ویژگی خانه عنکبوت روش زندگی فردی همراه دشمنی مابین عنکبوت‌ها می‌باشد و انواع اندکی از آن‌ها یافت می‌شوند که به صورت دسته جمعی زندگی می‌کنند. جنس‌های نر و ماده فقط در هنگام جفت‌گیری یکدیگر را ملاقات نموده و بسا اوقات بعد از جفت‌گیری عنکبوت ماده عنکبوت نر را می‌کشد. در برخی از انواع آن‌ها، عنکبوت ماده، عنکبوت نر را رها می‌کند تا هنگامی که فرزندان از تخم خارج می‌شوند، اقدام به قتل او کنند و او را بخورند. در انواع دیگری از عنکبوت‌ها، مادر اقدام به تغذیه فرزندان کوچکش می‌کند تا این‌که فرزندان بزرگ می‌شوند و مادر خود را می‌کشند و می‌خورند.

یعنی شاخص‌ترین خصیصه خانه عنکبوت ذلت و خواری، جنگ و جدال، کشتار و برادرکشی می‌باشد. آیا وضعیتی شبیه این بعد از این‌که امریکا و ناتو را منحیث «ولی» و صاحب اختیار و زمام‌دار امور خویش قرار دادیم برما حاکم نشده؟ حتی وضعیت ما بدتر از خانه‌ی عنکبوت نگردیده؟

طوری‌که، عزت ما به ذلت و دوستی‌ها ما به دشمنی مبدل گردیده است. اختلافات قومی، قبیله‌ی، سمتی، زبانی و حالا مذهبی بُعد تازه‌ای بخود گرفته. شیرازه وحدت و اعتماد مردم بالای یکدیگر از بین رفته‌اند. گروه‌های که تا دیروز در یک صف واحد با هم برادرانه به مبارزه علیه طاغوت می‌پرداختند، حالت شان چه شد؟ وضعیت شان بعد از «ولی» قرار دادن امریکا و ناتو شبیه خانه عنکبوت گردید. صفوف شان متفرق، دشمنی شان افزایش و ریسمان وحدت شان از هم پاشید. حالا آنان بر ضد یکدیگر توطئه‌چینی و کمین‌گیری دارند. این گروه، حالا به ده‌ها گروه و حزب سیاسی و سازمان اجتماعی متفرق تقسیم شده‌اند.

در ضمن، آن‌های که برای استعمار امریکایی نقش جاده صافکن را برعهده داشتند و «ولی» بودن امریکا را برای شان افتخار می‌دانستند و به مدتی بسیار کوتاهی به نان و نوا رسیدند، سرنوشت شان چه شد؟ سران شان یکی پس از دیگری از بین رفتند، بازمانگان شان ذلیل شدند، جایگاه و نفوذ مردمی شان از دست رفت و از چشم مردم افتادند. آیا تعدادی از آن‌ها همین اکنون زندگی نکبت‌باری را تجربه نمی‌کنند و از شدت مرض قلبی و شکر و سرطان خوار بالین نگردیده‌اند؟ الحقّ که قرآن آیینی تمام نمای به پیش چشم ما می‌گذارد تا در پرتوی آن اعمال و افکار خویش را به قضاوت بنشینیم.

دوم: از طرز زندگی عنکبوت‌ها واضح می‌شود که نظام اجتماعی و روابط خانوادگی آن‌ها بر اساس مصالح مؤقت است، طوری‌که هرگاه این مصالح تمام می‌شود، دشمن همدیگر می‌شوند و برخی، برخی دیگر را می‌کشد.

بدین معنی که در خانه‌ای عنکبوت، روابط خانوادگی، محبت و صمیمیت وجود ندارد و روابط تنها بر اساس منافع زودگذر مادی و دنیوی بنا شده است و زمانی‌که این منافع و منافع به پایان برسد، تبدیل به کشتارگاهی می‌شود که ترس و کشت و کشتار بر آن سایه می‌اندازد.

آیا این مورد را در روابط میان بزرگان و نخبه‌گان افغانستان شاهد نیستیم؟ تا زمانی‌که امریکایی‌ها منافعشان ایجاب می‌کرد از آن‌ها استفاده ابزاری نمودند، ولی زمانی‌که این منافع پایان یافت، یکی پس از دیگری بنام‌های گوناگون هم‌سفر کاروان مرگ شدند و نام‌شان در لیست ترورهای زنجیره‌یی جا خوش کرد و رُخ در نقاب خاک کشیدند. تعدادی دیگری، از اریکه قدرت به زیر کشیده شدند و قدرت، نفوذ و سرمایه‌شان را از دست دادند و به قوطی «پیپسی» مبدل گردیدند. ناگفته نباید گذاشت، تعدادی‌ها را که امروز امریکایی‌ها در کنار خود جا داده و آنان را به آب و نان، نام و قدرت رسانده‌اند، این ناز دادن‌ها هم مؤقتی و زودگذر است و زمانی‌که ورق منقلب تغییر کند، جای آنان نیز مانند گذشته‌گان زباله‌دان کثیف تاریخ است.

سوم: لانه‌ی عنکبوت هیچ پناهنده‌ای را در خود پناه نمی‌دهد، و طالب استراحتی را آرامش نمی‌بخشد، زیرا خانه‌ای است که در آن نه برای صاحبش هیچ اطمینان و آرامشی هست و نه برای مهمانانش؛ زیرا این خانه در اصل برای آرامش و سکونت بنا نشده است و از تمام دوستی و محبتی که در یک خانه می‌باشد، به شدت محروم است. به گونه‌ای که در مقایسه با سایر حشرات خودخواهی و وحشی‌گری در آن از همه بیشتر است.

حالا تصور کنید: با امضای پیمان استراتژیژیک و امنیتی، که در نتیجه آن حاکمیت و سیطره غرب رسمی و درازمدت شد، وضعیت افغانستان چه رنگی بخود گرفت؟ آیا آرامش و سکینت را از دست ندادیم؟ جنگ شعله ور و گسترده‌تر نگردید؟ حملات انتحاری و انفجاری که قبلاً معمول نبود به همه جا سرک کشید و مسجد و مکتب و دفتر و خانه و خیابان به خط مقدم جنگ تبدیل شدند. چنانچه، در آخرین گزارش «شبکه فعالان جوان برای اصلاح و تغییر» آمده که نزدیک به 100 هزار نفر در حملات تروریستی در سه سال گذشته در کشور کشته شده‌اند. یعنی بعد از شروع حکومت وحدت ملی و با امضای پیمان امنیتی رقم کشتار مردم بصورت سرسام آور افزایش یافته است.

در ضمن، امنیت روانی مردم به کُلی از بین رفته. طوری‌که، در آخرین گزارش وزارت صحت عامه آمده که 67 درصد مردم افغانستان دارای مشکلات روانی می‌باشد.

تراژیدی که افغانستان را همچو خانه‌ی عنکبوت به خشن‌ترین و وحشی‌ترین سرزمین تبدیل نموده است که ریشه و بنیان ساختارهای سیاسی، اجتماعی

و اقتصادی در حال فروپاشیدن است و افغانستان را به میدان جنگ قدرت‌های بزرگ مبدل ساخته است.

چهارم: در قرآن خانه عنکبوت به «أَوْهَنْ أَلْبُيُوتِ» تشبیه گردیده، یعنی سست‌ترین خانه‌ها. اما (وهن) که در آیه آمده صفتی است که به فعل مخلوق نسبت داده می‌شود. یعنی اینکه کننده‌ی کار مانند ضعیفان کاری را انجام دهد. مثلاً و قتی کسی مانند ضعیفان کاری را شروع یا انجام دهد، می‌گویید: «وهن فی الأمر یهن وهناً، وهو واهن» یعنی: او در کار سستی کرد، او در کار سستی می‌کند یا سست است. بناء، خانه عنکبوت بسیار سست، ضعیف و نا امن می‌باشد. خانه‌ای است بدون دیوار، سقف، محافظ و ستون و سایبان و خانه‌ای است در معرض مخاطرات طبیعی و دید شکارچیان قرار دارد.

با در نظر داشت این حالت می‌توان گفت با « ولی » قرار دادن غرب، رسماً افغانستان به محل تقابل قدرت‌های بزرگ مبدل گردید. حالا جنگ‌هایی که قرار بود در واشنگتن، پاریس، برلین و ماسکو به پیش برده شود، در افغانستان و بالای گوشت و خون و استخوان مردم بی دفاع ما به پیش برده می‌شوند. افغانستان به حالت خانه‌ای بدون در و دیوار و محافظ همچو خانه‌ای عنکبوت درآمده که در معرض حمله دشمن قرار دارد.

از سوی دیگر، رهبرانی که بالای ما حاکم گردیده، ضعف، بی اراده‌گی، سستی، مزدوری از ویژگی‌های شخصیتی شان است. آن‌ها مانند وسایلی هستند که توسط ریموت امریکا کنترل می‌شوند. از حلقوم شان صدای جز صدای باطل و استعمار برنمی‌آید. طوری‌که در آخرین مورد، اشرف‌غنی و عبدالله برای ملاقات با وزیر خارجه امریکا به بگرام سفر نمودند و عکس‌های فوتوشاپ شده‌ای آن ملاقات را برای فریب افکار عامه منتشر ساختند تا غلامی خویش را بپوشانند، حالانکه مردم رگ و ریشه‌ی این غلام صفتان را می‌شناسد.

واپسین سخن این‌که: تصویری که قرآن از خانه‌ی عنکبوت و آنانی بدان پناه می‌برند، می‌دهد؛ تصویری بس شفاف با پیام‌های بسیار دقیق و واضح، که حقایق بسیار زیادی را اعم از امور فردی تا امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به پیش چشم ما روشن می‌سازد، حقیقتی که اکثر مردم از آن غافل‌اند. تصویری بس دقیقی که با اندک تعمق بدان می‌توان عمق بحران و گرداب مشکلات چند دهه‌ی اخیر افغانستان را در پرتوی آن به تحلیل گرفت.

طوری‌که، در چند دهه اخیر، تلاش ما بجای این‌که تمرکز بالای این قضیه سرنوشت ساز باشد تا الله سبحانه و تعالی را « ولی » و شریعت اسلامی را چراغ راه و سررشته همه‌ای امور خویش قرار دهیم؛ برعکس تلاش ما در این مسیر بوده تا به قدرت‌های پوشالی و عنکبوتی شرقی و غربی پناه ببریم و عزت را در دوستی با آن‌ها بجوییم و اساس امور و حکومت‌داری و سیاست خویش را به رشته‌ی لرزان و بی‌بنیاد این قدرت‌های عنکبوتی گره بزنیم. بناء، تا زمانی‌که محور ما خانه‌ی عنکبوت باشد، امنیت، ثبات سیاسی و حکومت‌داری خوب یک سرابی بیش نیست.

پس وقت آن رسیده تا خود را از این حالت نجات دهیم، ورنه سرنوشت ما بدتر و خونین‌تر از وضعیت فعلی می‌شود. چون، هر قوم یا مردمی که بر غیر الله مانند امریکا و اروپا توکل و اعتماد نماید، از آن‌ها نصرت و یاری بخواهد، سررشته امور سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی اش را به عهده آن‌ها بگذارد؛ این قوم با این کار خود، راه و روش واهی، باطل، پوچ و سستی را برگزیده است.

خانه‌ی عنکبوت بسیار ضعیف، بی‌بنیاد و در هوا آویزان است و این درست حالت قومی است که سررشته امورش را به غیر الله سبحانه و تعالی می‌سپارد و تصور می‌کنند که دشمنان به او نفعی می‌رسانند، یا برای شان امنیت و صلح و ثبات برقرار می‌سازند؛ اما این توقع خیلی‌ها پوچ، سست و بی‌بنیاد است. چون لانه‌ی که با پول و منفعت و تارهای عنکبوتی بنا شده باشد صرف با آمدن یک باد فرو خواهد ریخت. آیا ساختارهای سیاسی و اجتماعی پی‌ریزی شده بعد از کنفرانس بُن در افغانستان چنین نیست؟! آیا وضعیت شکننده سیاسی و اجتماعی و بحران اقتصادی گویای این واقعیت نیست؟!

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۖ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ [عنکبوت: 43]

و این مثلها را برای مردم می‌زنیم، ولی جز اهل معرفت و دانش در آنها تعقل نمی‌کنند.

مصدق سهاک

عضو دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر - ولایه افغانستان